

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اکبر نوروزی
۱۱ جولای ۲۰۲۰

در باره کارگران معدن، خواستها و مبارزاتشان

کارگران معدن در ایران در زیر سلطه نظام سرمایه داری وابسته حاکم بر کشور از یک طرف با کار سخت و طاقت فرسا که در عین حال یکی از خطرناک ترین شغل ها در جهان محسوب می شود، مواجهند و از طرف دیگر با مشکلات بیشماری روبه رو هستند که ناشی از سودجویی و آزمندی سرمایه داران زالو صفت می باشد، بورژوا های زالو صفتی که تحت سلطه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی برای خودشان خدائی می کنند. اینان ضمن مکیدن خون کارگران و به دست آوردن سودهای کلان جهت گذران زندگی انگل وار خود، از هیچ گونه جنایت و بیشرمی نیز در حق کارگران دریغ نکرده اند.

یکی از عمده ترین مشکلات کارگران معدن در ایران نظیر دیگر کارگران کشور، عدم دریافت دستمزد در سر وقت می باشد. هم چنین صاحبان معدن با حمایت و پشتیبانی رژیم حامی خود، کارگران معترض را براحتی از کار اخراج و یا با زدن اتهام به کارگران، آن ها را به دست ضد "عدالت" جمهوری اسلامی می سپارند. کارگران معدن به دلیل سودجویی کارفرماها و عدم تأمین الزامات ایمنی کار، اغلب یا در سوانح حین کار در معادن جان می بازند و یا از بیماری های ناشی از کار در معدن. گسترش روز افزون مبارزات، تظاهرات، اعتصابات و اعتراضات کارگران معادن در هر گوشه و کنار کشور دلیل واضحی بر مشکلات و استثمار شدید آنان می باشد. آن چه در زیر می آید شمه ای از شرایط کار و مبارزات کارگران معدن در ایران را توضیح می دهد.

مبارزات بیش از سه هزار کارگر شرکت زغال سنگ کرمان در تاریخ دوشنبه اول اردیبهشت [ثور] سال ۱۳۹۹، یکی از برجسته ترین موارد از مبارزات اخیر کارگران معدن در ایران می باشد. این کارگران در اعتراض به تصمیم مدیران این شرکت مبنی بر واگذاری سهام آن به بخش خصوصی دست از کار کشیده و به مبارزات و اعتراضات شان ادامه دادند. اعتصابات و اعتراضات کارگران زغال سنگ کرمان که در معادن زغال سنگ کوهبنان - زرنند و راور علیه خصوصی سازی این معادن به وقوع پیوست، بدرستی اتحاد و یکپارچگی کارگران این معادن را به نمایش گذاشت. در تداوم مبارزات و اعتصابات کارگران این معادن که از ۱۵ اردیبهشت [ثور] آغاز گردید و به مدت ده روز ادامه یافت، خانواده ها و همسران مبارز کارگران نیز به تجمع اعتراضی کارگران پیوستند و با توجه به جسارت و شجاعت بی نظیری که در حمایت و پشتیبانی از همسران و برادران و فرزندان شان از خود نشان دادند باعث ارتقای هر چه بیشتر روحیه مبارزاتی در میان این کارگران مبارز گشتند. کارگران معدن زغال سنگ می دانند که با خصوصی کردن این معدن سرنوشتی مانند کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، هپکو، آذر آب و بسیاری دیگر از مراکز

تولیدی خواهند داشت ، یعنی تشدید و افزایش اخراج ها، وخیم تر شدن ایمنی محیط های کار، کاهش دستمزد ها و مزایای شغلی و به عبارت دیگر استثمار شدیدتر و عدم امنیت شغلی بیشتر و غیره. این پیامدها، بخشی جدائی ناپذیر از خصوصی سازی ها می باشند. این کارگران علاوه بر اعتراض به خصوصی کردن معدن، هم چنین خواستار افزایش دستمزد، انعقاد قرارداد دائمی با کارگران ، افزایش ضریب سختی کار از ۱/۵ به ۲ ، تضمین امنیت شغلی و اجرای طرح بندی مشاغل می باشند.

در شرایطی که کارگران معدن زغال سنگ کرمان به همراه خانواده های مبارزشان هم چنان در صحنه مبارزه بودند، رژیم فربیکار جمهوری اسلامی از بلندگوها و رسانه های معلوم الحال خود، به دروغ، خبر پایان اعتصاب و بازگشت کارگران به کار را اعلام نمود. این در حالی بود که تا آن زمان به کمترین خواست های کارگران پاسخ مثبتی داده نشده بود.

عدم وجود امنیت شغلی ، از مهمترین مشکلات کارگران معدن است که دلیل بسیاری از اعتراضات و اعتصابات آنان در ایران می باشد. این موضوع کاملاً با امر خصوصی سازی تنیده شده است و یکی دیگر از تازیانه های سرمایه داران وابسته حاکم در تداوم استثمار و سودجویی شان بر پیکر کارگران معادن ایران به خصوص در سال های اخیر می باشد.

از مشکلات دیگر کارگران معادن می توان به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، عدم استانداردهای سیستم های برقی، آب و تهویه، استفاده از دستگاه های فرسوده، پرداخت نکردن حقوق به موقع حتی به بازنشستگان، واریز نکردن بیمه کارگران به سازمان تأمین اجتماعی که باعث تمدید نشدن دفترچه بیمه آنان می گردد، اشاره کرد. اما یکی از ظالمانه ترین برخوردها از طرف سرمایه داران علیه کارگران معدن امتناع از تهیه تجهیزات ایمنی برای حفاظت از جان کارگران می باشد. فقدان تجهیزات ایمنی لازم، باعث مرگ و سوانح حین کار کارگران معدن می شود که کارفرما و رسانه های خود فروخته تبلیغاتی رژیم حاکم، آن ها را به حساب بی احتیاطی خود کارگران می گذارند. بیشتر کارفرماها حتی از تهیه ابتدائی ترین تجهیزات ایمنی کار مانند دستکش، کلاه ایمنی، لباس کار و غیره جهت ایمنی کارگران خودداری می کنند. چرا که آن ها برای زندگی و جان کارگران هیچ گونه ارزشی قائل نیستند. این قانون ظالمانه سرمایه داری است که در آن سرمایه دار جز به افزایش سود خود حتی به قیمت جان کارگران، به هیچ چیز دیگری توجه ندارد و رژیم های مدافع آنان نیز آن ها را در این جنایت و تبهکاری پشتیبانی می کنند. در این زمینه برای ذکر نمونه های کاملاً برجسته جای دارد از مبارزات کارگران معدن گلستان در اردیبهشت [ثور] سال ۱۳۹۶ یاد کنیم.

انفجار مرگبار در معدن زغال سنگ (زمستان یورت شمال غربی) واقع در آزاد شهر استان گلستان که باعث کشته شدن بیش از ۴۱ معدنکار و مجروح شدن تعداد زیادی از کارگران این معدن گردید، یکی از نمونه های بارز سودجویی سرمایه داران و امتناع آنان از ایمن ساختن محیط کار کارگران معدن می باشد که هم چنین دروغ پردازی و عوامفریبی درخیمان رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با کارگران معادن را نیز بر ملا می سازد. در این رابطه علی ربیعی وزیر کار دولت روحانی که یکی از مهره های لات و چاقو کش رژیم جمهوری اسلامی می باشد و پلکان ترقی خود را در این رژیم با حمله به خانه کارگر در سال ۱۳۵۸ آغاز کرد ، دلیل انفجار معدن زغال سنگ گلستان را به حساب بی احتیاطی کارگران گذاشت. این ادعای بی اساس از طرف استاندار گلستان نیز مورد تأیید قرار گرفت. اما در واقع دلیل اصلی این انفجار که باعث کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از کارگران گردید و حتی گزارشاتی از آن در رسانه های رژیم منتشر شد ، حجم بالائی از گازهای قابل اشتعال و خطرناک به دلیل ضعف سیستم تهویه معدن بوده است. واقعیت

آن بود که معدن مزبور اساساً فاقد وسایل ایمنی بود و صاحبان این معدن از گذاشتن ابتدائی ترین وسایل در اختیار کارگران به خاطر سود جوئی و عدم صرف هزینه خودداری کرده بودند. کارگران حتی از وسایل اولیه معدن مانند ماسک و اکسیژن محروم بودند. کارگران این معدن مطرح کردند که: ما بارها عدم ایمنی محیط کار را به مسئولین تذکر دادیم، اما هر کسی اعتراضی می کرد، از کار اخراج می شد. این کارگران بخوبی بر این امر واقف بودند که سرمایه داران زالو صفت این معدن برای کسب سود هر چه بیشتر از دسترنج کارگران، با عدم صرف هزینه برای تهیه وسایل ایمنی، شرایط رخداد حادثه و در نتیجه مرگ رابرای کارگران به وجود آوردند. در نتیجه بازی با زندگی و جان کارگران، خشم و نفرت شدیدی را در دل آنان به وجود آورد و پتانسیل مبارزاتی کارگران معدن را هر چه بیشتر فزونی بخشید؛ تا آن جا که وقتی روحانی جنایتکار جهت استفاده های تبلیغاتی انتخابات آینده به این معدن سفر کرد، با خشم و غضب کارگران و شعارهای اعتراضی آنان مواجه گردید و کارگران معترض با چنان خشم و نفرتی به خودروی این مزدور جنایتکار یورش بردند که روحانی فریبکار تنها به کمک محافظین خود توانست از معدن آزاد شهر فرار نماید.

در شرایطی که جمهوری اسلامی به عنوان رژیم حافظ منافع سرمایه داران، پاسخ کارگرانی که صرفاً خواهان حقوق های عقب افتاده خود هستند را با اخراج از کار و فرستادن پلیس به سراغ آن ها می دهد، کارگران معدن نیز با چنین مظلومی روبه رو هستند که شلاق زدن به کارگران آغ دره در آذربایجان در سال ۱۹۹۳ و ضرب و شتم آن ها در سال ۱۳۹۶ یکی از نمونه های برجسته آن می باشد.

در دیماه [جدی] سال ۱۳۹۳ در پی اخراج ۳۵۰ کارگر فصلی که هر کدام ۱۰ سال سابقه کار داشتند، کارگران معدن طلای آغ دره خواستار مذاکره و بازگشت به کار می شوند که با مخالفت و شکایت کارفرما مواجه می شوند. در نتیجه ۱۷ کارگر معدن، به جرم ایجاد اغتشاش به مجازات شلاق بین ۳۰ تا ۱۰۰ ضربه، حبس تعزیری و جریمه نقدی محکوم می شوند. در خرداد سال [جوزا] ۹۵ شلاق زدن ۸ کارگر معدن و یکی از اهالی روستا به اجرا در می آید که در پی خود اعتراضات وسیعی را به دنبال داشت. کارگران معدن چادرملو در استان یزد نیز نمونه دیگری است. در فروردین [حمل] ۱۳۹۴ به جای پاسخ به خواسته های بحق این کارگران پنج تن از آنان محکوم به پرداخت مبلغی پول و تحمل ضربات شلاق گشتند.

در مورد کارگران معدن آغ دره باید یادآور شد که آن ها در خرداد [جوزا] سال ۱۳۹۶ با خواسته هائی حول کار - نان و امنیت شغلی دست به یک تحصن مسالمت آمیز زدند. اما رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی با حمله به کارگران و سرکوب آن ها و کارگرانی که جویای کار بودند، آن ها را مجروح و زنانی را که به پشتیبانی از کارگران برخاسته بودند چنان مورد ضرب و شتم قرار دادند که بیهوش نقش بر زمین شدند. در این حمله، مأموران رژیم عده ای از کارگران جویای کار را نیز بازداشت کردند. یک شاهد عینی از برخوردهای خشونت آمیز نیروهای سرکوب به کارگران بیکار به ژانرس خبری موکریان چنین می گوید: آن ها برای پایان دادن به تحصن مسالمت آمیز ما، متوسل به زور شدند، زنان می خواستند از این اقدام جلوگیری کنند ولی آن ها هر کسی را که اعتراض می کرد، کتک می زدند. در مقابل چنین واقعیتی دستگاه های تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی برای پوشاندن یورش وحشیانه خود به کارگران مجبور بودند به دروغ متوسل شوند. آن ها وحشیگری های خود در حق کارگران را نزاع دسته جمعی اهالی و کارگران معدن اعلام کردند و خود را به عنوان نیروهای کمک رسان به آنان معرفی نمودند. هم چنین با توجه به این که فلم های حمله نیروهای سرکوبگر رژیم به طور وسیع در سراسر کشور پخش گردید که نشان می داد چگونه زنان در اثر ضربات پولیس بیهوش شدند، مدیر کل اداره تعاون کار و رفاه آذربایجان غربی نیز به دفاع از مسئولین معدن طلا و نیروهای سرکوبگر پرداخته و با انتشار اعلامیه ای آن را نزاع دسته جمعی اهالی و کارگران معدن عنوان کرد.

به طور خلاصه باید گفت که مشکلات فزاینده کارگران معدن در ایران ، به طور عمده خصوصی سازی، عدم پرداخت به موقع دستمزد به آنان، عدم امنیت شغلی، امتناع کارفرما ها از تهیه ابتدائی ترین تجهیزات ایمنی در معادن، عدم اجرای طبقه بندی مشاغل که باعث می شود که سختی کار در معدن به حساب آورده نشود می باشند. رژیم سفاک جمهوری اسلامی بنا به ماهیت طبقاتی خود در حمایت از سرمایه داران و سود جوئی آنان، کوچکترین تجمعات اعتراضی و مسالمت آمیز کارگران با خواسته ها و مطالبات بدیهی و بحق شان را با یورش وحشیانه و فرستادن نیروهای سرکوب و شلاق زدن آنان به خاک و خون می کشاند. این واقعیات باعث خشم و کینه بحق کارگران گشته و راهی به جز تشدید مبارزه علیه سودجوئی و استثمار سرمایه داران زالوصفت و رژیم جمهوری اسلامی در پیش پای آنان نمی گذارد.

در شرایطی که دیکتاتوری جمهوری اسلامی مانع اصلی در تشکل و مبارزه کارگران برای رسیدن به خواست های شان می باشد، کارگران رنجیده ایران جهت رهایی از شرایط سرکوب و استثمار حاکم باید نوک نیز حملات خود را برای نابودی رژیم جمهوری اسلامی قرار دهند، رژیمی که حافظ منافع سرمایه داران داخلی و امپریالیست هاست و حیات سراسر ننگینش با دار و شکنجه و سرکوب و دیکتاتوری تنیده شده است. بدون شک در مبارزه با رژیمی که جز زبان زور نمی فهمد و جز با زور سخن نمی گوید ، کارگران چاره ای جز توسل به مبارزه قهر آمیز در پیش ندارند. به همین دلیل مبارزه مسلحانه تنها شرط پیروزی کارگران و زحمتکشان ایران می باشد و تنها با مبارزه مسلحانه می توان شرایط متشکل شدن کارگران و امکان اعمال رهبری آن ها را به دست آورد. در این مسیر کارگران امکان می یابند تا ریشه سرمایه داران و حامیان جنایتکارشان را از این خاک برای همیشه بر کنند.

اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۹

به نقل از: پیام فدایی ، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۵۱ ، خرداد ماه ۱۳۹۹